

بررسی عملکرد مدیریتی و اجرایی زنان در معماری و شهرسازی

مریم حقایق*

مجتبی خوارزمی**

چکیده

امروزه زنان معمار با آنکه بخش کثیری از جامعه معماری ایران را تشکیل می‌دهند، اما در حوزه‌های پژوهشی، آموزشی، اجرایی و حرفه‌ای، اقتدار لازم را ندارند و سهم شایسته‌ای در عرصه‌های مدیریتی به دست نیاورده‌اند.

مدیران و کارفرمایان به علل مختلف از جمله داشتن مسئولیت‌های خانوادگی بیشتر، قدرت‌بدنی کمتر و اعتقاد به ناتوانی در نظارت و سرپرستی، زنان را برای حضور در کارگاه‌ها و امور اجرایی نامناسب می‌دانند و در شرایط یکسان، جنسیت مرد را برای این گونه امور ترجیح می‌دهند که این مسئله زنان را به سمت فعالیت‌های دفتری محدود می‌نمایند.

در این نوشتار، ضمن مطالعاتی درباب وضعیت کنونی زنان معمار در ایران و جهان، موانع پیش روی آنان در شرایط گوناگون را شناسایی و با کشف این موانع، راهکارهای مناسبی برحسب شرایط و امکانات بالقوه و بالفعل برای توسعه این فرایند انتخاب می‌شود.

محدودیت‌ها و موانع ایجاد شده برسر راه فعالیت‌های آنان جمع‌بندی و در سه بخش اصلی بررسی و درباره بحث می‌شود: ۱. فردی، ۲. سازمانی و ۳. موانع اجتماعی.

کلیدواژه‌ها: زن، معماری، مدیریت، موانع، راهکار.

* دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز Maryam.haghayegh@gmail.com

** کارشناس ارشد مهندسی عمران دانشگاه شیراز Mojtaba.kharazmi@gmail.com

تاریخ ارسال: ۸۹/۶/۳۰، تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۱۳

۱. مقدمه

توسعه جوامع بشری نیازمند توجه به منابع انسانی و درگرو توانمندی و مشارکت اعضای هر جامعه است. تردیدی نیست که ارائه الگوی مطلوب توسعه بدون لحاظ کردن نقش و جایگاه زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه نمی‌تواند نمادی از الگوی کامل توسعه باشد. بنابراین، جامعه‌ای در مسیر توسعه و پیشرفت موفق خواهد بود که از تمام توان و پتانسیل خود در جهت بهره‌وری استفاده کند و به عبارتی، زمینه‌های لازم را برای تبدیل نیروهای بالقوه به نیروهای بالفعل فراهم آورد و شرایطی ایجاد کند که تمامی افراد جامعه از جمله زنان به‌عنوان نیروی بالقوه گسترده، با مشارکت بالفعل خود در طیف فعالیت‌های متنوع و کارآمد از جمله فعالیت‌های مهندسی و امور اجرایی، چرخ‌های جامعه را همگام با مردان به حرکت درآورده و توفیقاتی روزافزون از این رهگذر به بدر آورد. (جمالزاده، ۱۳۸۳: ۱۵۲ - ۱۵۴)

نگاهی گذرا به جایگاه زن در گذشته ایران نشان می‌دهد که زندگی زنان با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بوده و توجه به امور زنان و جایگاه آنان در جامعه در دوران مختلف شدت و ضعف داشته است. در طول تاریخ، زنان توانا، نقش ارزنده‌ای در شکل‌گیری و تعالی معماری ایران ایفا کردند. این زنان نه تنها در امور خانوادگی توانا بودند بلکه به دلیل لیاقت و توانایی‌شان، به‌تنهایی در مقاطعی از دوران مختلف، حکومت ایالت‌های متعددی از ایران را نیز در دست داشتند؛ و روش حکومت آنان مورد قبول مردم بود، به‌طوری‌که حتی شاعران و نویسندگانی چون سعدی و دیگران توانایی‌های آنان را ستوده‌اند. این زنان، کارفرمایانی مدبر و سازندگانی باهمت بودند و در طول حکومت خود آثار باشکوهی چون مسجد، مقبره، مدرسه، کاروانسرا، پل و قنات بنا کردند که امروزه تعدادی از آنها جزء یادمان‌های مهم معماری ایران محسوب می‌شود. (ریاضی، ۱۳۸۷: ۳۴ - ۴۰)

۲. بیان مسئله و ضرورت تحقیق

امروزه توانمندسازی زنان و مشارکت کامل آنان برپایه برابری، در همه زمینه‌ها از جمله در فرایند تصمیم‌گیری و مدیریت جامعه، یکی از پیش‌نیازهای توسعه پایدار است که کشور ما سخت بدان نیازمند است. در جوامعی که هنوز تعادل مطلوب و قابل قبول و مشارکت عادلانه زن و مرد در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی و مهندسی فراهم نشده باشد و فرصت منصفانه بروز خلاقیت و استعداد انسان‌ها برقرار نشده باشد، فرایند توسعه، آن‌گونه که انتظار می‌رود، موفق نخواهد بود. تداوم و شتاب توسعه هنگامی رخ خواهد داد

که زن و مرد، دوشادوش یکدیگر مسئولیت توسعه را برعهده بگیرند. رسیدن به تعادل، برابری و در نتیجه توسعه کامل‌تر جامعه، نیازمند آن است که زنان بتوانند در فرایند مدیریت و تصمیم‌گیری در سطوح مختلف جامعه شرکت کنند که این امر مستلزم تقویت و شناسایی توانایی و توانمندی‌های زنان و اثبات کارآمدی آنان در این حوزه و آماده‌سازی اجتماع به‌عنوان بستر پذیرش فعالیت آنان است. به عبارت دیگر، می‌توان توانمندسازی فردی و اجتماعی را یکی از اصول زیربنایی جهت حضور برابر زنان در کنار مردان در راستای توسعه پایدار برشمرد. (فتحی، ۱۳۸۴: ۳)

درواقع متصورشدن مدیریت برای زنان، به معنای ایجاد قدرت برای آنها نیست بلکه به معنای داشتن اختیار است. از طرف دیگر، هدف از تنفیذ اختیار برای زنان، در نظر گرفتن جولانگاهی برای آنان است تا بتوانند خصائل و صفات زنانه خود را به‌منصه ظهور بگذارند. (ضیائی، ۱۳۸۸: ۲۸) حرفه معماری نیز از جمله عرصه‌هایی است که حضور زنان در طی چند سال گذشته در آن چشمگیر بوده است؛ به گونه‌ای که در سال‌های اخیر، درصد فارغ‌التحصیلان زن در این رشته از مردان رو به افزایش بوده و این رشد و پیشی گرفتن آنان از مردان، لزوم بحث مدیریت زنان و ارتقای توانمندی‌ها و استعدادهای آنان را در این حرفه، بیش از پیش مطرح می‌سازد. (مجدآبادی، و افتخارزاده، ۱۳۸۶: ۲)

تعداد مقالات و کتاب‌هایی که تاکنون در باب جایگاه و نقش زنان معمار در حوزه‌های پژوهشی، آموزشی، اجرایی و حرفه‌ای به‌تحریر درآمده، محدود بوده است. در این میان می‌توان به کتاب *زنان در معماری معاصر* (The Architect: Women in Contemporary Architecture, 2009) نوشته «مگی توی» (Maggi Toy) اشاره کرد. آنچه روشن است، در هر یک از این منابع، عمدتاً به بررسی پروژه‌های انجام شده معماران زن اشاره شده، که البته لازمه یک پژوهش دقیق است. در این میان، جای پژوهشی که با چشم‌اندازی گسترده، تصویری جامع از ابعاد مختلف حضور زنان معمار در فضای حرفه‌ای معماری و شهری پیش چشم بگذارد، خالی به‌نظر می‌رسید؛ و این در حالی است که داشتن یک چشم‌انداز همه‌سویه به جایگاه و توانمندی‌های زنان معمار در ساختار معماری و شهرسازی در گستره جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی امروز، برای برنامه‌ریزی توسعه در ایران، امری الزامی است.

لذا در پژوهش حاضر، پس از بررسی تفاوت‌های بنیادی میان زنان و مردان، نیم‌نگاهی به حضور زنان ایران باستان در مسیر شکل‌گیری معماری ایرانی شده و پس از آن، وضعیت کنونی زنان معمار در جهان و به‌طور خاص، در ایران مورد بررسی و آنگاه موانع پیش‌روی

آنها شناسایی و در انتها پس از ارائه شیوه تحلیل آماری، راهکارهایی جهت رفع این موانع پیشنهاد شده است.

۳. تفاوت‌های بنیادی زنان و مردان به لحاظ ویژگی‌های فیزیولوژیک و روان‌شناسی

تاریخچه نظریه تفاوت‌های بنیادی زنان و مردان، دست‌کم ۲۴۰۰ سال سابقه دارد؛ از جمله در آرای افلاطون و ارسطو می‌توان این نظریه را ردیابی کرد:

افلاطون در کتاب *جمهوریت*، درباره تفاوت زن و مرد با کمال صراحت ادعا می‌کند که زنان و مردان استعدادها و مشابیهی دارند و زنان می‌توانند همان وظایفی را عهده‌دار شوند که مردان برعهده می‌گیرند، و از همان حقوقی بهره‌مند شوند که مردان از آن بهره‌مند هستند. در عین حال، وی اعتراف می‌کند: زنان از مردان، چه در نیروهای روحی، چه در نیروهای جسمی ناتوان‌ترند؛ یعنی تفاوت زن و مرد را از نظر کمی می‌پذیرد، هرچند که مخالف تفاوت کیفی آنها از لحاظ استعدادها است.

پس از افلاطون، کسی که آرا و عقایدش در این باره از دنیای قدیم دردست است، شاگرد وی ارسطو است. ارسطو در کتاب *سیاست*، عقاید خویش را درباره تفاوت زن و مرد اظهار داشته و با عقاید استاد خویش، افلاطون، سخت مخالفت کرده است. ارسطو معتقد است: تفاوت زن و مرد تنها از جنبه کمی نیست، بلکه از جنبه کیفی نیز این دو متفاوت‌اند. او می‌گوید: نوع استعدادهای زن و مرد متفاوت است و وظایفی که قانون خلقت به عهده هر یک از آنان گذاشته و حقوقی که برای آنان خواسته، در بسیاری از موارد با هم تفاوت دارد. به عقیده ارسطو، فضایل اخلاقی زن و مرد نیز در بسیاری از موارد متفاوت است.

دیدگاه‌های ارسطو تا دهه ۱۹۷۰ در میان اندیشمندان و صاحبان نظریه، مانند فرانسویس بیکن (Francis Bacon)، رنه دکارت (Rene Decartes)، نیچه (Friedrich Nietzsche) و ژان-ژاک روسو (Jean-Jacques Rousseau) محل توجه بود؛ و از این سال به بعد، طرفداران نظریه برابرنگرانه به زنان، تحت عنوان «نهضت اجتماعی زنان»، به صورتی برنامه‌ریزی شده با پیشینیان مخالفت کردند؛ نکته قابل توجه اینکه علی‌رغم شکل‌گیری «نهضت اجتماعی زنان»، با افزایش و تعمیق مطالعات پزشکی، روانی و اجتماعی، پزشکان، فیزیولوژیست‌ها، فلاسفه و روان‌شناسان، تفاوت‌های فراوان‌تری میان زن و مرد کشف کردند که در دنیای قدیم، برای محققان و اندیشمندان رشته‌های گوناگون ناشناخته بودند.

(احمدی، ۱۳۸۸: ۱-۳). به‌طورکلی، تفاوت‌های شناخته‌شده میان زنان و مردان را، در دو بخش «تفاوت‌های فیزیولوژیک» و «تفاوت در توانایی‌های شناختی» می‌توان بررسی کرد.

۱.۳ تفاوت‌های فیزیولوژیک

پزشکان، فیزیولوژیست‌ها و زیست‌شناسان، تحقیقات فراوانی در این زمینه کرده و برای هر یک از دو جنس، مقیاس‌ها و هنجارهای معین و مشخصی به‌دست آورده‌اند. در بررسی‌ها و تحقیقات انجام‌شده، از دستگاه تناسلی و تولیدمثل گرفته تا طول عمر هر یک از دو جنس و دستگاه‌های عصبی، گوارشی، استخوان‌بندی، تنفس و خون، بخشی از تمایزات و تفاوت‌های فیزیولوژیک میان دو جنس به‌شمار می‌آیند، که امروزه بسیاری از متخصصان این رشته به آنها توجه کرده و تحقیقات موشکافانه‌ای درباره آنها انجام داده‌اند. روان‌شناسان نیز با تکیه بر همین مبانی و یافته‌های زیستی انسان و تمایزات میان زن و مرد، درباره تأثیر آنها بر رفتار انسان بحث و تفاوت‌های حاصله در رفتار عاطفی و شناختی زن و مرد را تفسیر کرده‌اند؛ (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۱۷) که تشریح آنها، خارج از ظرفیت مقاله حاضر است.

۲.۳ تفاوت در توانایی‌های شناختی

به‌طورکلی، زمانی که روان‌شناسان از توانایی‌های ذهنی و شناختی انسان سخن می‌گویند، به سراغ مفهوم «هوش» و کارکردهای آن می‌روند؛ و به آنچه در ظاهر ادراکات آدمی، حاصل سازواره بدن، به‌ویژه فعالیت مغز و قشر آن است، «هوش» می‌گویند. هوش را می‌توان بخشی از فعالیت‌های نفس آدمی دانست که از مرحله احساس تا مرحله فعل نمود دارد. انسان هوشمند، احساس، درک و حافظه برتری دارد و روابط بین اشیا را بهتر در می‌یابد و واکنش‌های وی به‌جا و متناسب است و درمقابل هیجانات، انفعالات و عواطف، دقیق‌تر، ظریف‌تر و مؤثرتر عمل می‌کند. برخی نیز هوش را ترکیبی از استعداد عددی (روابط و مسائل ریاضی)، آمادگی روانی-کلامی، درک معانی (نقلی، عقلی، فلسفی و علمی)، حافظه، استدلال، فهم روابط فضایی و سرعت ادراک دانسته‌اند. بعضی نیز تعاریف دیگری از آن ارائه داده‌اند. (احمدی، ۱۳۸۸: ۳-۵)

۳.۳ رابطه هوش و جنسیت

ازجمله مسائلی که روان‌شناسان همیشه به آن توجه داشته‌اند، این است که آیا هوش با جنسیت ارتباط دارد؟ و در صورت ارتباط، میزان هوش در کدام‌یک از دو جنس بیشتر

است؟ با آنکه تحقیقات کمی و کیفی زیادی در این باره صورت گرفته، به لحاظ پیچیدگی موضوع، پاسخ قطعی حاصل نشده و نتیجه بررسی‌ها از حد فرضیه فراتر نرفته است. در زمینه رابطه بین هوش و جنسیت، سه نظریه وجود دارد:

۱.۳.۳ نبود تفاوت هوش بین زن و مرد

در این دیدگاه ادعا شده که بهره هوشی کلی زنان و مردان تا حد زیادی مشابه و یکسان است. از تفاوت اندک برتری هوشی پسران بر دختران نیز می‌توان چشم پوشید، زیرا این تفاوت، از شرایط محیطی و عوامل اجتماعی ناشی می‌شود. (پیره، ۱۳۷۰: ۱۰۴)

۲.۳.۳ فقدان رشد عقلی در زنان

برخی نیز بر فقدان رشد عقلی در زنان معتقدند و در زمینه کاستی مغز و توان هوشی زن، به افراط گراییده‌اند. «آپولیت تن» (Aypolyt Ton) می‌گوید: اگر استدلال، اندیشه و هوش را در اختیار زن بگذاریم مثل آن است که چاقویی را به دست بچه بدهیم. (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۱۷)

۳.۳.۳ تفاوت در توانمندی‌های هوشی

در این دیدگاه عامل جنسیت را در توانمندی‌های هوشی مؤثر می‌دانند و به امتیازات نسبی و برتر هریک از دو جنس در عوامل هوشی اشاره می‌کنند و آنها را ناشی از عوامل زیستی، مسائل وراثتی و امور طبیعی مانند دیگر تفاوت‌های موجود بین زن و مرد می‌انگارند؛ و ضمن آنکه محیط و عوامل اجتماعی و فرهنگی را در بروز استعدادها مؤثر می‌شمارند، بر نقش مسائل فیزیولوژی، به‌ویژه هورمونی، تأکید می‌ورزد. در این زمینه، از نتایج برخی تحقیقات نیز کمک گرفته‌اند.

این دیدگاه مبتنی بر هوش کلی - شامل توانایی عددی، روانی، کلامی، حافظه، استدلال، درک روابط فضایی و سرعت ادراک، است. (نرمان، ۱۳۸۱: ۲۶۱) در بیان تفاوت زن و مرد بر مبنای هوش کلی، بیان می‌شود که اگرچه برخی نمره هوش زنان و مردان را تا حد زیادی مشابه دانسته و گفته‌اند «شواهدی مبنی بر اینکه از نظر هوش کلی، یکی از دو جنس بر دیگری برتری داشته باشد، یافت نشده است و نابرابری‌های خاصی در بعضی از عوامل، یکدیگر را خنثی و تعدیل می‌کنند»، اما پیدا است که بعضی از استعدادهای خاص در یکی از دو جنس قوی‌تر و رشد یافته‌تر است. (پیره، ۱۳۷۰: ۱۰۷) نتایج حاصل از این دیدگاه بیانگر آن است که مردان به‌طور نسبی در تجسم فضایی، استعداد مکانیکی، استدلال‌های

ریاضی و منطقی بر زنان برتری دارند. برتری زنان نیز براساس آزمایش‌ها و بررسی‌های انجام‌شده و با توجه به ویژگی‌های عمومی زنان شامل لطافت، ظرافت نسبی آنان در مقایسه با مردان، در عوامل زیبایی‌شناسی (اشکال، رنگ‌ها، تصاویر، انتخاب مصالح) و توانایی‌های کلامی و مهارت‌های یدی تأیید شده‌است. (پیره، ۱۳۷۰: ۱۰۸)

۴. حضور زنان ایران باستان در مسیر شکل‌گیری معماری ایرانی

بی‌شک وضع اجتماعی زنان در هیچ دوره و تاریخی، از وضع عمومی آن جامعه مجزا نیست. سرزمین ایران بدون تردید یکی از قدیمی‌ترین و کهن‌ترین مراکز زندگی بشر بوده است و اسناد و مدارک درباره‌ی شناسایی وضعیت زنان و مردان - چه در ایران و چه در جاهای دیگر - بسیار ناچیز است. در دورانی که شاید بیش از ده هزار سال قبل از میلاد باشد، تغییراتی در وضع اقلیمی ایران به‌وجود آمد و انسان غارنشین اندک اندک برای خود خانه ساخت. در این دوران، کانون خانواده، مرکز قدرت قبیله بود و زنان، نقطه‌ی مرکزی این حکومت‌های کوچک به حساب می‌آمدند. (دریاباری، ۱۳۸۸: ۳)

«ویلیام دورانت» (William Durant) نویسنده و تاریخ‌نگار مشهور آمریکایی درباره‌ی این دوران می‌نویسد:

در دوران مادرشاهی، حق فرمانروایی، حق قضاوت، حق اداره امور خانواده، و توزیع خورد و خوراک و آنچه زندگی بشر وابسته به آن بود، همه در دست زن بوده است. مرد، حیوانات را شکار می‌کرد و از جنگل‌ها و مزارع، مواد خوراکی به دست می‌آورد و آن را در اختیار مادرشاهی می‌گذاشت تا بین افراد قبیله توزیع کند. اختلاف نیروی بدنی که امروز بین زن و مرد مشهود است، در آن روزگار چشمگیر نبود؛ و این اختلاف نیروی جسمانی، بعدها به‌لحاظ شرایط زندگی و محیط زیست ایجاد شد. زن در این دوران، از حیث بلندی قامت و نیروی جسمانی نه تنها دست کمی از مرد نداشت، بلکه به مقتضای طبیعت موجود کاملاً نیرومند بود، در حدی که می‌توانست ساعت‌های دراز به کارهای دشوار بپردازد، و به‌هنگام حمله دشمن، به‌خاطر فرزندان و عشیره و قبیله تا سر حد مرگ مبارزه کند. (دریاباری، ۱۳۸۸: ۵)

پروفسور «رومن گیرشمن» (Roman Grishman)، ضمن بحث پیرامون انسانهای ماقبل تاریخ در ایران، از نقش زنان در پیدایش تمدن بدوی و ابتدایی آن روزگار می‌نویسد:

در این جامعه ابتدایی وظایف سنگین به‌عهده زن گذاشته شده بود. در نتیجه، عدم تعادل بین

وظایف مرد و زن ایجاد شد و زن دارای مقامی برتر نسبت به مرد یافت. ساخت و طراحی بناهای مهم، نگهداری از آتش، نگهداری خانه، تهیه و پخت غذا، ساختن ظروف سفالی و نگهداری فرزندان، باعث اولویت زن بر مرد شد و اداره کارهای قبیله به دست او افتاد. این نحوه اولویت و تفوق زن بر مرد به صورت عصر مادرشاهی در فلات ایران شروع شد؛ و همین سیستم - که یکی از خصایص ساکنان ایران بود - بعدها در آداب آریایی‌های فاتح وارد شد. (گیرشمن، ۱۳۳۶: ۱۶۵)

علاوه بر رهبری اقتصادی و اجتماعی، مقام روحانیت نیز از امتیازات زن بود. ایرانیان مانند همسایگان خود، مذهب مادرخدایی داشته‌اند و پرستش الهه مادر در نواحی مختلف ایران رواج داشت.

در حدود چهار هزار سال قبل از میلاد، در سرزمینی که شامل خوزستان، لرستان، پشتکوه و کوه‌های بختیاری است، حکومت عیلام رشد و تکامل یافت. مجسمه ملکه عیلام، معرف وضع اجتماعی زن در آن روزگار است. این مجسمه اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود. به نظر باستان‌شناسان، این ملکه بر اقوام آریایی که در نواحی عیلام و کوه‌های زاگرس تا حدود کرمانشاه می‌زیسته‌اند، فرمانروایی داشته است.

یکی دیگر از کهن‌ترین محله‌های زندگی مردم و تمدن‌های کشف‌شده، در محدوده «سیلک» کاشان است که در حفاریات و کشفیات این منطقه نیز آثار متعددی از تمدن دوران مادرشاهی به دست آمده است. در این دوران که یکی از دوره‌های درخشان مادرشاهی در ایران است، خانه‌سازی با خشت خام رواج داشت و نقش و نگار روی دیوارها به دست زنان انجام می‌گرفت.

پس از استقرار سلسله ماد در مغرب ایران، اندک‌اندک رژیم مادرشاهی جای خود را به رژیم پدرشاهی داد. در این دوران، مردان برای زنان اهمیت ویژه‌ای قایل بودند و زنان هنوز می‌توانستند رئیس قبایل باشند و قضاوت کنند.

پس از مادها، نوبت به سلسله هخامنشی و پارس‌ها می‌رسد که بنیانگذار آن کوروش بزرگ است. ملکه ماندانا - مادر کوروش و دختر آستیاک، آخرین پادشاه ماد - تأثیر انکارناپذیری در انتقال قدرت به پسرش کوروش داشت. در حفاری‌های باستانی بعضی از نقاط ایران مانند تپه‌های فارس در تخت جمشید، و تپه ارسنجان و حفاری‌های چشمه‌علی در شهر ری و حفاری شوش، آثاری درخور توجه - شامل مجسمه‌هایی از زنان به صورت شاهزاده، ملکه و الهه - کشف شده که معرف وضع اجتماعی زن در آن روزگاران است.

در آثار به دست آمده از حفاری‌های تخت جمشید و لوحه‌های گلین، نشانه‌هایی از

فعالیت و مدیریت زنان در ساخت این بنا برجای مانده است. (دریاباری، ۱۳۸۸: ۵) به عبارت دیگر، داریوش هخامنشی برای بنا نهادن کاخ‌های پارسه، از زنان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیروهای کاری استفاده می‌کرد. به‌گونه‌ای که در چندین کتیبه به‌دست آمده نوشته شده است که «زنی در اینجا مسئول بیش از صد نفر کارگر مرد بود» و یا زنی دیگر به‌دلیل مهارت شغلی‌اش، حقوقی معادل سه مرد دریافت می‌کرده است. یا در کتیبه‌ای دیگر آمده که زنان کارگر باردار در ساختن پارسه از حقوق شاهنشاهی برای استراحت و بارداری استفاده می‌کردند.

در آن دوره، امکانات آموزش‌های هنری و مهارت‌های حرفه‌ای برای زن و مرد یکسان و حقوق آنها نیز برابر بوده است. درباره نظام حقوق و دستمزدها، شواهدی بخصوص در زمینه کارهای هنری و ظریف موجود است که در آنها زن و مرد در کنار یکدیگر کار می‌کردند و از حقوقی برابر برخوردار بودند و گاه حتی کارهای سخت‌تر را زنان برعهده داشتند. برای مثال، بیشتر سنگ‌سازان را زنان تشکیل می‌دادند و به احتمال قوی پس از حاضرشدن نگاره‌ها، صیقل نهایی را زنان انجام می‌دادند، چراکه برای این کار دست‌های ظریف زنان کارآیی بیشتری داشته است. یا در دیگر الواح به نام زن‌هایی برمی‌خوریم که با سنگ سروکار داشتند و مسلم این است که این کار باید برای یک زن دشوار بوده باشد. در این میان، زنان خانواده شاهی، موقعیتی دیگر و شرایطی سخت‌تر و وظایفی سنگین‌تر داشتند. در میان الواح گلی در مجموع به نام چهار زن برمی‌خوریم: آتوسا (Atossa)، ارتیستونه (Artystone)، رته‌بامه (Rtabama) و اپاکیش (Apaukis) که بیانگر شغل و میزان حقوق دریافتی کلان آنها در مقابل انجام حرفه‌ای خاص و مدیریت گروه‌های کاری بوده است. این زنان گروه‌هایی از کارگران را در شیراز و یا اطراف آن در استخدام خود داشتند، تا جایی که مدیریت یک گروه ۴۷۵ نفری برعهده یک زن بوده است. از طرفی، صحت گزارش‌های درآمد‌ها و مخارج، با مهر ملکه تأیید می‌شد. همین مسئولیت، ملکه‌ها را مجبور می‌کرد دائماً در سفر باشند (نه فقط در رکاب شاه بلکه به تنهایی)، تا هم به املاک و کارگاه‌های خود سرکشی کنند و هم شخصاً ناظر بر صحت گردش کارها در محل باشند. آنچه روشن است و از بررسی دقیق لوح‌های دیوانی تخت جمشید حاصل می‌شود، زنان در زمان فرمانروایی داریوش بزرگ از چنان مقامی برخوردار بودند که در میان خلق‌های جهان باستان نظیر نداشت. (کخ، ۱۳۸۶: ۲۹۶ - ۲۹۷)

۵. وضعیت کنونی معماران زن در معماری معاصر جهان

نتایج آماری در ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که در پنجاه سال گذشته، شمار زنان در رشته معماری به‌طور یکنواخت افزایش یافته است. میزان ثبت‌نام زنان در آموزشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی معماری در ایالات متحده اکنون بالغ بر ۳۵٪ است، و در برخی دانشگاه‌های نمونه، درصد زنان مشغول در رشته معماری با مردان برابر است. در این کشور، از ۴۰ تا ۵۰ درصد دانشجویان معماری را که شغل آنان با مدرک تحصیلی آنها در ارتباط است، زنان تشکیل می‌دهند.

تعداد زنان کارشناس رشته معماری دارای مجوز که در سمت‌های مدیر یا معاون مشغول به فعالیت هستند، در حدود ۱۰ درصد است که اغلب آنها در اداره خود سمت معاونت دارند؛ و این مقدار برای شرکت‌های بزرگ تا ۵ درصد کاهش را نشان می‌دهد. شایان ذکر است که درصد این زنان در هر سال، اندکی افزایش می‌یابد؛ اما تناسب آن با افزایش چشمگیر در خصوص سمت رهبری دیده نمی‌شود. بیش از ۸۱ درصد شاغلان در زمینه طراحی محیط‌های داخلی را زنان تشکیل می‌دهند؛ با این حال، هنوز به هنگام توزیع جوایز، ۵۰ درصد آنها به مردان اعطا می‌شود. در ایالات متحده، ۲۰ درصد از اعضای تمام‌وقت دانشکده‌های معماری و تنها ۱۰ درصد از استادان دانشگاه را زنان تشکیل می‌دهند و کمتر از ۴ درصد مدیریت اجرایی برعهده زنان است.

مطلب بسیار مهم دیگر مربوط به سال ۲۰۰۰، آن است که معماری و تاریخچه معماری، دو مجله بسیار مهم معماری در آمریکا، سرمقاله‌ای را در خصوص ابراز نگرانی برای جایگاه حرفه‌ای زنان معمار به چاپ رساندند و خواستار خاتمه جایگاه دومی زنان در جامعه معماری شدند. «مگی توی» در کتاب *زنان در معماری معاصر*، در این باره، می‌نویسد:

معماری مطابق با چالش‌های پیش رو رشد و توسعه می‌یابد. تقویت فرهنگ، تکذیب و تضعیف جداسازی‌های بی‌مورد، موجب تقویت حرفه‌ها و نتایج آنها خواهد شد. این کار باید در یک فضای همیاری و همکاری انجام پذیرد؛ فضایی که براساس استعدادها رشد می‌کند نه براساس جنسیت‌ها. آمارگیری‌های انجام‌شده در انگلستان نشان می‌دهد که درصد زنان معمار بریتانیا در فاصله سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۰۹، ۹٪ بوده و از سال ۱۹۹۶ تاکنون رشد اندکی داشته و به حدود ۱۰ تا ۱۱ درصد رسیده، اما این میزان بسیار اندک است، به‌ویژه در مقایسه با درصد پزشکان زن که حدود ۵۰ درصد و وکیل‌های زن که در حدود ۳۰ درصد را تشکیل می‌دهند این رقم بسیار ناچیز است. به عبارت دیگر، چنانچه نرخ رشد زنان معمار به‌طور پیوسته مطابق با این درصدها ادامه یابد، نباید تا پیش از سال ۳۰۰۰ انتظار شرایط برابری برای زنان را داشت. (توی، ۱۳۸۸: ۴)

آنچه روشن است، نوع نگرش جامعه به زنان به‌عنوان موجودی محدود که توانایی مشارکت در عرصه‌های مختلف زندگی را با مردان ندارد، باعث شد تا تعداد زنان معمار در جهان، و هنر آنها به‌عنوان هنری ظریف و دارای خلاقیت، کمرنگ باقی بماند. این درحالی است که زنان می‌توانند پایه‌پای مردان و به‌ویژه در انجام طراحی‌های مربوط به این رشته، متمرثمر واقع شوند. (ضیائی، ۱۳۸۸: ۲۸-۳۲). برای اثبات این ادعا می‌توان به موفقیت معمارانی چون زها حدید (Zaha Hadid)، ایرنا بومن (Irena Bouman)، آن بها (Ann Beha)، کرولین بوس (Caroline Bos)، الیسون بروکس (Alison Brooks)، گیسو و مژگان حریری (Gisue Hrirri & Mojgan Hariri) و فرشید موسوی (Farshid Mousavi) اشاره کرد. (توی، ۱۳۸۸: ۶-۱۵)

زها حدید، اولین بانوی معمار متولد در یک خانواده مسلمان است که موفق به دریافت جایزه معتبر پریتزکر (pritzker) شده است. اینکه چگونه زنی از جهان سوم و خاورمیانه - عراق، کشوری پر از محدودیت‌های حتی روزمره برای زنان - تا این حد در زمینه‌ای یکه‌تاز است که مردان، نقش‌آفرینان اصلی آن در طول تاریخ بوده‌اند، جای تعمق بسیار دارد. او پروژه‌های فرهنگی، تجاری و مسکونی بسیاری را طراحی نموده که هریک در زمینه خود بیان‌کننده یک ویژگی تازه است. با بررسی آثار وی می‌توان به این نتیجه دست یافت که بسیاری از پیشرفت‌های علمی و عملی او و متمایز بودن آثارش از سایر معماران، مدیون تلاش و خلاقیت زنانه او در آفرینش آثار ماندگار معماری وی است. (ضیائی، ۱۳۸۸: ۲۸-۳۲)

۶. جایگاه و موقعیت کنونی زنان معمار در ایران

با وجود فعالیت گسترده زنان در عرصه‌های مختلف شغلی در ایران، متأسفانه در پاره‌ای از فعالیت‌های اجتماعی، زنان نتوانستند جایگاه حقیقی خود را به‌اثبات برسانند؛ چرا که اذهان عمومی، برخی از مشاغل را متعلق به مردان دانسته و فعالیت‌ها و موفقیت‌های زنان را در آن رشته‌ها، همپای مردان نمی‌توانند بپذیرند. ازجمله این عرصه‌ها می‌توان به رشته‌های فنی - مهندسی و مدیریت در آنها اشاره کرد. مهندسی معماری نیز ازجمله رشته‌هایی است که فعالیت زنان در این عرصه در ایران و در مقایسه با مردان، آمار کمتری داشته است. هرچند حضور زنان در دانشگاه‌ها، با وجود همه موانع، به‌طور مطلوبی در این رشته بالا رفته و کوشش فارغ‌التحصیلان و زنان معمار در کسب مهارت‌ها و دانش و تخصص، روز به روز افزون شده است - به‌طوری‌که که طی سال‌های ۸۵-۸۹، ۶۷ تا ۷۰ درصد دانشجویان رشته معماری را زنان تشکیل داده‌اند - اما به‌محض رسیدن به بازار کار، به‌خصوص در مرحله

ارتقای شغلی، به دلایلی که در ادامه عنوان خواهد شد، شرایط برای دستیابی آنان به پست‌های مدیریتی و سرپرستی، دشوار می‌شود و از این رو بیشتر به سمت امور دفتری ترغیب می‌شوند و انگیزه رقابت و رشد در این عرصه را از ذهن خود بیرون می‌رانند و حق مسلم ارتقای شغلی را - که بنابر قانون بین‌المللی کار، یکی از حساس‌ترین حقوق انسانی آنان است - تنها از آن مردان تلقی می‌کنند.

نتیجه این شرایط برای معماران زن، کمبود فرصت رشد و پایین آمدن اعتماد به نفس آنان در اثبات کارآمدی در عرصه‌های مدیریتی و اجرایی است. در نتیجه، بیشتر فارغ‌التحصیلان زن در رشته معماری، تنها به دریافت پروانه اشتغال اکتفا کرده‌اند و حضور در عرصه کار فنی را نادیده می‌گیرند. از همین رو به ندرت می‌توان موردی یافت که زنان فارغ‌التحصیل این رشته، صاحب جایگاه مدیریتی در شهرداری‌ها، سازمان نظام مهندسی، رتبه‌بندی حرفه‌ای در شرکت‌های مهندسی مشاور و نقش رهبری گروه‌های طراحی را برعهده داشته باشند: طی آمارگیری‌های صورت گرفته در کلان‌شهری مانند تهران در سال ۱۳۸۶ تنها ۱۳ نفر از زنان فارغ‌التحصیل این رشته، صاحب جایگاه مدیریتی در شهرداری‌ها، سازمان‌های نظام مهندسی و شرکت‌های مهندسی مشاور بوده‌اند. (نوروزی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲)

آنچه مسلم است، عوامل متعددی از جمله نظام کار حرفه‌ای، وضعیت اجتماعی - فرهنگی و ضعف در اثبات توانایی و کارآمدی زنان در ایران موجب شده است تا نگاه عموم مردم، به‌ویژه همکاران مرد، به زنان معمار، متفاوت باشد و بدین طریق شرایط حضور مؤثر زنان در بخش‌های مختلف این رشته فراهم نگردد. (امینی فرد، ۱۳۸۶: ۳) به عبارت دیگر، عامه مردم از معمار زن، انتظارات متفاوتی دارند و متأسفانه، توانایی‌های معماران زن را به راحتی نمی‌پذیرند. زنان را بیشتر در کارهای دفتری می‌پسندند و کار اجرایی را بیشتر مردانه می‌دانند.

۷. چالش‌ها و موانع مدیریت زنان معمار

همان‌طور که عنوان شد در جامعه معماری ایران، بعضی از کارفرمایان و مسئولان شرکت‌ها مدیریت یک پروژه را به سختی به یک زن واگذار می‌کنند و با توجه به علل مختلف، زنان را برای حضور در کارگاه‌ها و امور اجرایی نامناسب می‌دانند و متأسفانه این مسأله زنان را به سمت امور اداری و دفتری ترغیب و محدود می‌کند. (امینی فرد، ۱۳۸۶: ۳) با توجه به وضعیت جامعه معماران ایران، نخستین سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که به‌رغم پیشرفت‌های محسوسی که در زمینه تحصیلات و حضور زنان معمار در کشور

حاصل شده است، چرا زنان هنوز نتوانسته‌اند سهم شایسته‌ای از پست‌های مدیریتی دفاتر معماری و یا امور اجرایی کارگاه‌های ساختمانی را به خود اختصاص دهند. پاسخ این سؤال را می‌توان در معدود تحقیقاتی یافت که در این زمینه در کشور صورت گرفته است. به‌طور کلی، علل عدم دستیابی زنان معمار به پست‌های مدیریتی را می‌توان تحت سه عنوان بررسی و درباره آنها بحث کرد: ۱. موانع فردی، ۲. موانع سازمانی، ۳. موانع اجتماعی. (جعفرنژاد، ۱۳۸۴: ۷۶-۸۱)

۱.۷ موانع فردی

موانع فردی، از محدودیت‌های شخصی و خانوادگی زنان ناشی می‌شود؛ این موانع، لزوماً جنبه عمومی ندارد و می‌تواند از فردی به فرد دیگر تغییر کند. موانع فردی به‌طور عمده به دو دسته موانع خانوادگی و موانع علمی تقسیم می‌شود.

۱.۱.۷ موانع خانوادگی

منظور از موانع خانوادگی، آن دسته از موانعی است که اعضای نزدیک خانواده - شامل والدین، همسر، خانواده همسر و فرزندان - ممکن است برای زنان به‌ویژه در عرصه معماری به دلیل شرایط خاص این رشته به‌وجود آورند. به‌طور ایده‌آل، هیچ‌یک از خانواده‌ها با اصل کارکردن زنان معمار مخالفتی ندارند؛ بلکه مخالفت و یا ممانعت آنان معمولاً به دلیل نوع فعالیت آنها در برخی عرصه‌های این رشته است که بیشتر جنبه مردانه به‌خود گرفته‌اند (منظور از مشاغل مردانه، مشاغلی است که به قدرت و جسارت مردانه نیاز دارد و با مشاغل متعارف زنان و روحیات آنان به‌طور معمول تطابق چندانی ندارد).

یکی دیگر از محدودیت‌های خانوادگی برای زنان معمار، نگهداری و مراقبت از فرزندانشان است که به دلیل مشغله کاری و کمبود وقت و یا سفر، در این زمینه همواره دغدغه فکری جدی دارند. (گلرد، ۱۳۸۱: ۴)

۲.۱.۷ موانع علمی

موانعی علمی برای کلیه معماران اعم از مرد و زن وجود دارد؛ اما شدت آن برای زنان، به‌علت ضعف در نظام آموزشی و اجتماعی بیشتر است. زنان معمار اغلب، نسبت به زمینه‌های زیر احساس نیاز بیشتری می‌کنند و هرگونه ضعف در این شاخه‌ها مانعی در عملکرد آنها به‌شمار می‌آید:

- دانش فنی و تخصصی در عرصه معماری (بخشی از این ضعف به علت حضور کمتر زنان در دوره آموزشی در کارگاه است)،
- دانش و مهارت‌های مدیریتی،
- دانش مقررات و قوانین حقوقی و اجرایی.

دو مانع خانوادگی و علمی به‌طور مستقیم بر عدم خودباوری و اعتمادبه‌نفس زنان تأثیرگذار است. (صابر، ۱۳۸۱: ۱۲۹ - ۱۴۵) لذا در صورت بروز هر کدام از این موارد، زن معمار باید توانایی و مهارت فردی را در خود تقویت و موانع را برطرف کند و کارآمدی خود را به اثبات برساند، در غیر این صورت، با کاهش دانش و مهارت‌های فنی و مدیریتی نمی‌توان انتظار داشت که دیگران مدیریت و اجرای امور را به‌دست زنان بسپارند.

۲.۷ موانع سازمانی

موانعی است که به درون شرکت یا محیط کار مربوط می‌شود. این موانع، شامل موانع فیزیکی و موانع انسانی است. از جمله موانع فیزیکی بر سر راه زنان معمار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عدم احساس امنیت زنان هنگام حضور بر سر کارگاه به‌خصوص هنگام شب و نگرانی زنان از سروکار داشتن با کارگران غیرقانونی در کارگاه؛ آن‌که غیرقانونی کار می‌کند، ممکن است کار غیرقانونی نیز انجام دهد. (نوروزی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲)
- مشکل کمبود مؤسسات با مجوز، جهت انتخاب و تأمین مواد و مصالح ساختمانی (صابر، ۱۳۸۱: ۱۳۲): معماران زن به دلیل عدم دسترسی به بازارهای مناسب و نیز وجود مشاغل کاذب در زمینه تولید مصالح، عموماً با مشکل روبه‌رو می‌شوند.
- از جمله موانع انسانی بر سر راه معماران زن، می‌توان به حضور و عملکرد کارفرمایان و همکاران مردی اشاره کرد که به دلیل نگرش منفی به توانایی‌های زنان معمار و مدیریت آنها، به حضور آنان در این عرصه اعتقاد ندارند و حضور آنان را بیشتر در دفاتر کاری و بازه فعالیت‌های محدود می‌پسندند، به عبارت دیگر این‌گونه افراد، موانع انسانی بر سر راه زنان به‌شمار می‌آیند.

۳.۷ موانع اجتماعی

زنان با موانع دیگری که متأثر از محیط اجتماعی و فرهنگی است، مواجه هستند؛ موانعی که

صرفاً با تلاش فردی آنان قابل رفع نیست، بلکه نیازمند اصلاحات و تحولات تدریجی ارزش آفرین در محیط است. نگرش جامعه به زن و تصویری که از نقش و ویژگی‌های او در باور عمومی وجود دارد، او را در محدوده‌ای از وظایف خاص قرار می‌دهد و قضاوت در مورد مسئولیت، نقش و توان او براساس این محدوده سنجیده می‌شود. (صابر، ۱۳۸۱: ۱۳۴)

مهندس الهه رادمهر در این زمینه معتقد است:

بررسی نقش زنان در عرصه‌های مختلف عمران و آبادی، نیازمند آن است تا مشخص شود که تا چه میزان به زنان اجازه حضور داده شده و دیدگاه‌های سنتی حاکم بر ساختار اجتماعی جامعه، تا چه حد مانع پذیرش و کارآیی آنان شده است. در واقع، توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه زمانی فراهم می‌شود که به بعد توسعه انسانی به معنای عام و توسعه انسانی زنان جامعه به معنای خاص آن توجه کنیم. زنان نیمی از جمعیت جامعه هستند و عدم مشارکت آنها لطمه بزرگی به جامعه، اقتصاد، سیاست و فرهنگ کشور می‌زند. (رادمهر، ۱۳۸۳: ۶۲)

او معتقد است که زنان ایران هم مانند زنان بسیاری از کشورهای در حال توسعه با مشکل مبارزه با تفکرات سنتی روبه‌رو هستند و در جامعه‌ای که فرهنگ مردسالاری وجود دارد، طبعاً پذیرش سهم برابری زن و مرد بسیار دشوارتر است. (رادمهر، ۱۳۸۳: ۶۲)

به‌طور کلی موانع فرهنگی - اجتماعی را می‌توان تحت سه عنوان بررسی کرد: ۱. تأثیر عوامل سه‌گانه رسانه، خانواده، مدرسه بر نگرش عمومی جامعه به زنان؛ ۲. عکس‌العمل‌های منفی؛ ۳. ناامنی اجتماعی.

۱.۳.۷ عامل سه‌گانه (رسانه‌ها، خانواده، مدرسه)

بسیاری از اندیشمندان اجتماعی، عوامل جامعه‌پذیری در هر جامعه را سه عامل خانواده، مدرسه و رسانه‌ها می‌دانند. با نگاهی گذرا درمی‌یابیم که این سه عامل موجب تولید و بازتولید نگاه‌های متفاوت و بعضاً اشتباه در جامعه شده‌اند و می‌شوند، چنان‌که بسیاری از افراد، وضعیت موجود در جامعه را امری عادی و طبیعی تلقی می‌کنند؛ به عبارت دیگر این ۳ عامل تأثیر به‌سزایی در نوع نگرش عمومی جامعه به زنان و به‌طور خاص زنان معمار دارد.

۱.۱.۳.۷ خانواده

خانواده، اجتماع کوچکی است که بنیاد جوامع بزرگ با آن پایه‌گذاری می‌شود. این اجتماع کوچک در ساختار جوامع بزرگ بسیار تأثیرگذار بوده و می‌تواند سازنده، مفید و یا بسیار

فاجعه‌آفرین باشد. همان‌طور که در پیش‌تر عنوان شد، خانواده علاوه بر آنکه می‌تواند مانعی فردی برای یک زن معمار محسوب شود، به‌عنوان یک عامل اجتماعی نیز ممکن است مقابل جامعه معماران زن قرار گیرد (با توجه به اینکه امر که خانواده به‌نوعی یکی از زیرساخت‌های یک جامعه به‌شمار می‌رود).

نتایج بررسی‌ها در بسیاری از خانواده‌های پدرسالار ایرانی نشان می‌دهد که نقش‌ها و رفتارها بر اساس معیار و ارزش‌های مردانه پایه‌گذاری شده است و مردان حاضر به پذیرش، ادراک و اثبات کارآمدی زن در جامعه نیستند. در این نوع خانواده‌ها زن را موجودی اندرونی، وابسته و مرد را موجودی بیرونی و مستقل بار می‌آورند. در این فرهنگ، وظیفه و نقش زن را به خانه و خانواده محدود می‌کنند، و فعالیت‌های زنان را تحت‌الشعاع وظایف خانوادگی قرار می‌دهند، و در فعالیت‌های اجتماعی نیز از نقش زنان به میزان چشمگیری می‌کاهند. در افراد این نوع خانواده‌ها ویژگی‌های رفتاری منتسب و مثبت مردان به‌مراتب بیشتر از زنان است. ویژگی‌های اجتماعی‌تر و مبتنی بر هوش و ابتکار غالباً مختص مردان است، و ویژگی‌های زنان عمدتاً فردی و غیر پویاست. (فتحی، ۱۳۸۴: ۳)

لذا این نوع الگوسازی در خانواده قادر به تشخیص و نقش‌آفرینش زنان و کارآمدی آنها در جامعه نیست. بخشی از نتایج این الگوسازی که در بستر خانواده و در نهایت اجتماع صورت می‌گیرد، شکل‌گیری یکی از مهم‌ترین موانع برسر راه زنان در عرصه معماری - یعنی ناباوری کارفرمایان و همکاران معمار مرد به توانایی زنان - است. اکثر زنان نیز به‌دلایلی چون حساسیت همسران، ناپسند بودن مواجهه با مردان از لحاظ هنجارهای اجتماعی و نگرانی از مسئولیت‌پذیری، از حضور پررنگ خود در عرصه‌های مدیریتی و اجرایی پرهیز می‌کنند. (بی‌زارگیتی، ۱۳۸۵: ۴)

۲.۱.۳.۷ مدرسه، دانشگاه و نظام تعلیم و تربیت

نظام تعلیم و تربیت به شیوه‌های متفاوت، نابرابری‌های جنسیتی را بازتولید می‌کند. این امر در مدرسه با محتوای منابع درسی، مرزبندی ارتباط بین دو جنس و رفتار دبیران و استادان صورت می‌گیرد. (گلرد، ۱۳۸۱: ۲) برخی از الگوی جنسیتی حاکم بر کتب درسی و برنامه‌های آموزشی برداشت‌های سنتی را در اذهان تقویت می‌کند؛ و ممکن است سبب شود دانش‌آموزان و دانشجویان دختر که زنان آینده جامعه هستند، نیروی خود را دست‌کم بگیرند و دارای شخصیتی فاقد خلاقیت و اعتماد به نفس شوند و به‌سوی پذیرش کارهای

کم‌مهارت با وجهه اجتماعی پایین گرایش پیدا کنند. این طرز تفکر و نگرش باعث شده است که، نه تنها مردان نگاه سستی به زنان داشته باشند، بلکه اکثر زنان نیز همان نگرش را داشته باشند و بسیاری از آنان، قابلیت‌های خود را مناسب ایفای نقش‌های اجرایی سطح بالا ندانند. (فتحی، ۱۳۸۴: ۲)

از طرفی، استادان معماری نمی‌توانند خانواده‌ها را به فرستادن فرزند دخترشان جهت انجام پروژه‌های دانشجویی به سفرهای بیرون از شهر راضی کنند و یا به‌علت جو حاکم در کارگاه و تهیه گزارش، اساتید مجبور می‌شوند موضوع پروژه را تغییر دهند. به‌لحاظ وجود برخی محدودیت‌ها برای دانشجویان دختر آن را به سطح شهر محدود کنند و درنهایت کلیه این عوامل ذکرشده، بر کیفیت یادگیری و خودباوری دانشجویان دختر تأثیرگذار خواهد بود. (نوروزی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲)

۳.۱.۳.۷ رسانه

رسانه نیز به‌عنوان یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر نگرش عمومی و فرهنگ جامعه، نقش مهمی در میزان حضور زنان ایفا می‌کند. رسانه می‌تواند ارزش‌های زیربنایی هویت جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و با بهره‌گیری از تکنیک‌های ارتباطی، تأثیرات مثبت یا منفی بر افکار مردم برجای گذارد (فتحی، ۱۳۸۴: ۳)؛ برای مثال رسانه می‌تواند به طرق گوناگون از قبیل معرفی زنان معمار موفق، نقد و بررسی شرایط، موانع و امنیت محیط کاری زنان معمار به‌ویژه بر سر کارگاه و ...، فواید حضور مؤثرتر زنان معمار در رده‌های مدیریتی و اجرایی را تحلیل، ترویج و تشویق کند.

۲.۳.۷ عکس‌العمل‌های منفی

از آنجا که حضور زنان در حرفه معماری مغایر با پذیرش عموم جامعه است، زنان معمار در بسیاری از موقعیت‌های زمانی و مکانی، با محدودیت‌هایی مواجه می‌شوند و در بسیاری از موارد، فشار زیادی را از سوی محیط خود متحمل و با عکس‌العمل‌های متعددی در شروع فعالیت خود مواجه می‌شوند. (جواهری و قضاتی، ۱۳۸۳: ۲۱)

۳.۳.۷ ناامنی اجتماعی

این اعتقادات سبب شده است که گاه فضایی امن برای حضور زنان در برخی صحنه‌ها فراهم نباشد؛ برای مثال، رفت و آمد آنها در برخی مکان‌ها، یا در بعضی ساعات خاص و رانندگی

در جاده‌های بین شهری جهت رسیدن به محل مورد نظر، از مواردی است که یا به تنهایی برای یک زن امکان‌پذیر نیست و یا به سختی انجام می‌گیرد.

در میان موانع و محدودیت‌های ناشی از شرایط فردی و یا محیطی زنان معمار که شرح آنها رفت، برخی موارد بر دیگری ارجحیت دارد و راهگشای مسائل دیگر است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در این دسته‌بندی مذکور، موانع فردی به‌عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عامل بازدارنده زنان معمار در عرصه‌های مدیریتی به حساب می‌آید که می‌تواند دو عامل دیگر را نیز تحت الشعاع خود قرار دهد. حبیبه مجدآبادی - طراح برگزیده اولین همایش زنان معمار ایرانی - در این باره معتقد است:

زنان گاهی خودشان را جدی نمی‌گیرند. تنها تفاوت موجود بین زنان و مردان معمار این است که زنان در بعضی موارد اعتماد به نفس کمتری دارند و همین مورد باعث می‌شود که کمتر به رده‌های مدیریتی روی بیاورند. (نوروزی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴)

ژیلا نوروزی - یکی دیگر از معماران برجسته این همایش، و با ۲۰ سال سابقه فعالیت در عرصه معماری معتقد است:

به نظر می‌رسد بیشتر مشکلات زنان معمار در کار اجرایی یا مدیریتی، شخصی باشد؛ چرا که فضا هم برای کار مدیریتی وجود دارد هم کار اجرایی. (نوروزی و دیگران، ۱۳۸۶: ۳)

درحقیقت غالب بودن الگوها و تفکرات فردی و موانع خانوادگی و عملی در زنان معمار، مهم‌ترین عوامل بازدارنده آنها در عرصه‌های مدیریتی به شمار می‌رود که ممکن است به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر عدم خودباوری و اعتماد به نفس آنها تأثیر بگذارد. بعضی از زنان معمار به علت مسئولیت‌های خانوادگی یا نبود انگیزه قوی و ترس از حضور در اجتماع کارگاهی و عملیاتی و چه بسا نبود خودباوری، فقط نام و عنوان طراح ساختمان را با خود حمل می‌کنند و موجب بی‌اعتمادی خود و دیگران به کارآمدی زنان در این عرصه می‌شوند. (امینی فرد، ۱۳۸۶: ۳)

۸. بررسی آماری جایگاه زنان در عرصه معماری

در هر پژوهش دقیق، استفاده از شیوه تحلیل آماری و بررسی نتایج حاصل شده از آن برای افراد تحت بررسی، مکمل پژوهش به‌شمار می‌آید. لذا در اینجا، میزان توانمندی و محورهای مشارکتی زنان معمار و میزان کارآمدی و قابلیت آنان در عرصه‌های مدیریتی، اجرایی طی دو مرحله نظرسنجی بررسی شده است.

مرحله اول نظرسنجی با هدف بررسی میزان توانمندی و محورهای مشارکتی زنان معمار، بین یک جامعه آماری ۴۵ نفره متشکل از متخصصان، دانش‌آموختگان و استادان معماری در ایران صورت گرفت. ابتدا با توجه به محورهای مشارکتی زنان، پرسشنامه‌ای طراحی گردید که در آن پاسخ‌های مربوط به هر سؤال، از طیف ثابت آماری لیکرت تبعیت می‌کند. در نظرسنجی، هر سؤال به بررسی یکی از محورهای نقش زنان در معماری اشاره دارد که نسبت درصد پاسخ‌های داده‌شده به هر سؤال با استفاده از آزمون ناپارامتری آماری کای اسکوئر (X^2)، مقایسه شده است.

۸. اروش تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات جمع‌آوری شده و نتایج به‌دست آمده از آن همان‌طور که از جدول زیر برمی‌آید، در هر آزمون کای اسکوئر (X^2)، چنانچه مقدار احتمال معنی‌داری از ۰/۰۵ کوچک‌تر باشد، نسبت سطوح پاسخ‌های داده‌شده به آن سؤال، اختلاف آماری معنی‌دار دارد.

جدول ۱. میزان احتمال معنی‌داری بر اساس درجه آزادی و مقدار آماره کای اسکوئر

Degrees of freedom (df)	χ^2 value [9]											
1	0.004	0.02	0.06	0.15	0.46	1.07	1.64	2.71	3.84	6.64	10.83	
2	0.10	0.21	0.45	0.71	1.39	2.41	3.22	4.60	5.99	9.21	13.82	
3	0.35	0.58	1.01	1.42	2.37	3.66	4.64	6.25	7.82	11.34	16.27	
4	0.71	1.06	1.65	2.20	3.36	4.88	5.99	7.78	9.49	13.28	18.47	
5	1.14	1.61	2.34	3.00	4.35	6.06	7.29	9.24	11.07	15.09	20.52	
6	1.63	2.20	3.07	3.83	5.35	7.23	8.56	10.64	12.59	16.81	22.46	
7	2.17	2.83	3.82	4.67	6.35	8.38	9.80	12.02	14.07	18.48	24.32	
8	2.73	3.49	4.59	5.53	7.34	9.52	11.03	13.36	15.51	20.09	26.12	
9	3.32	4.17	5.38	6.39	8.34	10.66	12.24	14.68	16.92	21.67	27.88	
10	3.94	4.86	6.18	7.27	9.34	11.78	13.44	15.99	18.31	23.21	29.59	
P value (Probability)	0.95	0.90	0.80	0.70	0.50	0.30	0.20	0.10	0.05	0.01	0.001	
	Nonsignificant							Significant				

در هر سؤال این آزمون، آن سطح از پاسخ که از سایر سطوح درصد فراوانی بیشتری را به خود اختصاص داده است، نظر اکثر افراد را نشان می‌دهد. با اجرای آزمون، میزان کای اسکوئر برای هر سؤال در هر محور مشارکت و مقدار احتمال معنی‌داری، محاسبه و نتایج در جدول زیر به‌طور مختصر خلاصه شده است. شایان ذکر است که اعتبار نتایج

۳۰ بررسی عملکرد مدیریتی و اجرایی زنان در معماری و شهرسازی

به دست آمده در این روش ۹۵ درصد است که معادل با ۵ درصد خطا است. لذا نتایج این تحقیق به جوامع مشابه بزرگ‌تر نیز قابل تعمیم خواهد بود.

جدول ۲. نتایج توصیفی و تحلیلی سؤالات مربوط به پرسشنامه نظر سنجی میزان توانمندی زنان معمار و محورهای مشارکتی آنان

شماره سؤال	عنوان سؤالات	درصد پاسخ‌های داده شده به سؤال					میزان تأثیرگذاری، توانمندی و سازگاری روحیه زنان را در هر یک از عرصه‌های زیر تا چه حد می‌دانید؟
		بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	
۱	انجام امور دفتری و نقشه کشی معماری	۳	۷	۱۰	۱۲	۱۳	توانمندی زنان در انجام امور دفتری و نقشه کشی معماری بسیار زیاد است.
۲	نظارت و سرپرستی کارگاه	۸	۱۲	۱۵	۶	۴	توانمندی زنان در نظارت و سرپرستی کارگاه متوسط و رو به کم است.
۳	طراحی معماری	۴	۶	۱۶	۱۲	۷	توانمندی زنان در طراحی معماری متوسط رو به زیاد است.
۴	طراحی داخلی	۳	۵	۷	۱۷	۱۳	توانمندی زنان در طراحی داخلی زیاد است.
۵	طراحی منظر	۲	۶	۱۰	۱۶	۱۱	توانمندی زنان در طراحی منظر زیاد است.
۶	طراحی شهری	۶	۱۸	۱۳	۵	۳	توانمندی زنان در طراحی شهری کم است.
۷	مرمت	۴	۵	۱۶	۱۱	۹	توانمندی زنان در مرمت ابنیه تاریخی متوسط رو به زیاد است.

۸	آموزش و پژوهش معماری	۳	۴	۷	۱۲	۱۹	۱۹/۳۳	۴	۰/۰۰۰۷	توانمندی زنان در بخش آموزش و پژوهش معماری بسیار زیاد است.
۹	میزان نیازسنجی زنان در طراحی فضاها	۲	۵	۶	۲۱	۱۱	۲۴/۶۷	۴	۰/۰۰۰۱	نیازسنجی زنان در طراحی فضاها زیاد است
۱۰	میزان تأثیر خلاقیت، ظرافت و لطافت روح زنانه در معماری می‌تواند تا حد زیادی بر طراحی مؤثر باشد	۳	۶	۱۲	۱۴	۱۰	۸/۸۹	۴	۰/۰۶۳۹	خلاقیت، ظرافت و لطافت روح زنانه در معماری می‌تواند تا حد زیادی بر طراحی مؤثر باشد
۱۱	میزان تأثیر حس غریزی و طبیعی زنان در زیبایی‌شناسی و تولید زیبایی‌شناسی و تولید زیبایی	۴	۵	۱۰	۱۷	۹	۱۱/۷۷	۴	۰/۰۱۹۱	حس غریزی و طبیعی زنان در مورد زیبایی‌شناسی و تولید زیبایی به میزان زیادی بر طراحی آنان مؤثر است
۱۲	میزان سازگاری معماری و شهرسازی ایران با روحیه و روان‌شناسی زنان	۱۶	۱۱	۱۳	۳	۲	۱۷/۱۱	۴	۰/۰۰۱۸	معماری و شهرسازی ایران به میزان بسیار کم درخور زنان و مطابق با روان‌شناسی آنان ساخته شده است.

با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل آماری نظرسنجی که در ستون آخر جدول به اختصار آورده شده است، و تأمل در آنها، نکات زیر قابل استناد و بررسی است.

- مواردی که در آنها عدد حاصل آماری متوسط رو به بالا بوده، بیانگر توانمندی بالای زنان در آن شاخه است.

- پیشنهاد می‌شود در مواردی که نقش زنان اهمیت کمتری دارد، با اتخاذ تدابیر مناسب و به جا و تقویت فردی - اجتماعی آن توانمندی در زنان، نقش و جایگاه این قشر از جامعه در عرصه‌های معماری، شهرسازی بیش از پیش افزایش یابد تا روزی شاهد

اعتلای هرچه بیشتر فرهنگ معماری و شهرسازی نشأت گرفته از تأثیر به‌سزای زنان در ایران اسلامی باشیم.

مرحله دوم نظرسنجی با هدف بررسی میزان کارآمدی و قابلیت زنان معمار در عرصه های مدیریتی، اجرایی و میزان علاقه‌مندی نمونه آماری به واگذاری پست‌های اصلی به زنان در این حوزه صورت گرفت.

جامعه آماری در این پژوهش، ۹۰ نفر و متشکل از ۳ گروه متفاوت است: ۱. مردم عادی به‌عنوان کارفرما، ۲. مدیران و سرپرستان دفاتر مشاور، مهندسان، کارفرمایان و معماران مرد، ۳. زنان معمار. از میان جامعه آماری ۳۰ نفر متشکل از مردم عادی به‌عنوان کارفرما، ۸۷٪ آنها مدیریت و مسئولیت پروژه را به مردان سپردند و معتقدند مردان در کارهای مدیریتی و اجرایی موفق‌تر از زنان عمل می‌کنند و در این عرصه خلاقیت بیشتری از خود نشان می‌دهند و تنها ۱۳٪ از آنها بر این باور بودند که زنان شایستگی لازم برای تصدی پست‌های بالای مدیریتی و اجرایی را دارند. از میان گروه ۳۰ نفره دوم، متشکل از معماران و مدیران پروژه‌ها، سرپرستان دفاتر مشاور مرد که به‌نوعی، بیشتر از مردم عادی از توانایی‌ها و قابلیت زنان معمار واقف‌اند، ۶۹٪ آنها چنین اموری را کاملاً مردانه پنداشتند و ۴۲٪ از گروه زنان معمار بر این عقیده بودند که نمی‌توان در این رشته، مسئولیت حرفه‌ای و امور اجرایی را به‌راحتی به خانم‌ها سپرد.

آنچه از نظرسنجی و به‌ویژه نتایج حاصل از گروه سوم برمی‌آید، نبود خودباوری و اعتماد به‌نفس زنان در رابطه با توانایی‌ها و مهارت‌های خودشان می‌باشد که نقشی اساسی در اثبات کارآمدی آنها به مدیران و همکاران مرد دارد. علل افراد این ۳ گروه، درباره عدم تخصیص مسئولیت‌های حرفه‌ای به زنان معمار و نامناسب دانستن آنها جهت حضور در کارگاه‌ها و امور اجرایی و محدود کردن آنها به کارهای اداری و دفتری در این حوزه، به عواملی چون عدم توانایی در نظارت و سرپرستی زنان و ضعف در قدرت فیزیکی لازم، کمبود تجربه و مهارت، مسئولیت‌های خانوادگی بیشتر و، ... مربوط می‌شد.

۹. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هم‌اکنون حدود نیمی از فارغ‌التحصیلان معمار ایران را زنان تشکیل می‌دهند که تعداد کثیری از آنان به‌علت موانع و محدودیت‌هایی که پیش روی آنها است، بیشتر در حیطه امور دفتری مشغول فعالیت هستند و تاکنون پیشرفت آنها در مشاغل حساس مدیریتی و اجرایی محسوس نبوده است. در واقع نگرش‌های اجتماعی و نگاه ناباورانه به توانمندی و خلاقیت

زنان معمار در نوآوری و عدم کارآیی آنان در پست‌های مدیریتی و اجرایی، موجب شده است که زنان نتوانند با وجود تخصص و توانایی‌های لازم و با توجه به تحصیلات عالی، سهم چشمگیری در بازار کار حرفه‌ای داشته باشند.

شایان ذکر است که علی‌رغم نگرش‌های ناباورانه به توانمندی زنان، زنان معماری وجود دارند (چه در ایران و چه در کشورهای دیگر) که به موفقیت‌های بالایی دست یافته‌اند که تنها جهت موفقیت فقط به اعتمادبه‌نفس، تجربه و خلاقیت نیاز داشته‌اند. همزمان با بهبود وضعیت حضور زنان معمار در عرصه‌های گوناگون و بروز شایستگی‌ها و استعدادها نهنفته آنان و نیز اثبات این مطلب که زنان معمار نیز می‌توانند به نیکوترین وجه در اجتماع حضور یابند، نقش آنان در تقویت توانایی‌ها و اثبات کارآمدی هرچه بیشتر در شرکت در امور اجرایی و مدیریتی پیش از پیش روشن می‌شود، هرچند زنان برای ابراز توانایی‌ها و لیاقت‌های خویش در این زمینه، هنوز راهی طولانی و دشوار پیش‌رو دارند.

مسلماً این مهم محقق نمی‌شود مگر با سیاستگذاری‌های دولت و حمایت همه‌جانبه از توانمندی و استعدادهای ذاتی زنان معمار. در این مقطع، دخالت ویژه دولت و اتخاذ سازوکارهای مناسب ضروری است، تا گامی مهم، در جهت خودباوری زنان در کسب درجات شایسته و نیز آگاهی افکار عمومی در راستای پذیرش جایگاه فعال زنان معمار در جوامع کاری و فواید حضور مؤثرتر آنان در رده‌های مدیریتی و اجرایی برداشته شود. امید است با تلاش‌های مسئولان امر و برنامه‌ریزان کشوری، این مهم به‌زودی تحقق یابد و زنان معمار نیز گام‌به‌گام مردان، پله‌های رشد و ترقی را طی کنند.

راهکارهایی برای حمایت همه‌جانبه از توانمندی و استعدادهای ذاتی زنان معمار

۱. در وهله اول، لازم است زنان معمار، خود و توانایی‌های خود را بشناسند و سپس زمینه شناخت را برای دیگران ایجاد کنند تا مانند فردی ماهر در میدان‌های کاری و مدیریتی افتخار بیافرینند. برای این منظور، برگزاری سمینارها، تشکیل کارگاه‌های آموزشی، معرفی زنان برتر و موفق در عرصه معماری با هدف آشنایی زنان با حقوق خود و فراهم کردن زمینه‌های خودباوری در آنان و آگاه کردن آنان از قابلیت‌ها و توانایی‌های فردیشان، آشناسدن مدیران، سیاستگذاران و تصمیم‌گیران با مقوله جنسیتی و فواید حضور مؤثرتر زنان معمار در رده‌های مدیریتی و اجرایی، می‌تواند بسیار کارآمد باشد.

علاوه بر تقویت خودباوری، تقویت دانش فنی و استفاده از دانش حرفه‌ای و تجربه عملی خود و دیگران در امور دفتری، کارگاهی و اجرایی، لازمه دستیابی به موفقیت زنان در این عرصه خواهد بود. در کنار این دو مورد استفاده از دانش مدیریت و تقویت آن، مکمل این روند خواهد بود؛ که برای این منظور، پرورش پنج اصل مهم مدیریت در فرد دستور کار قرار می‌گیرد: مسئولیت‌پذیری، قاطعیت، قابلیت در دسترس بودن، خوش رفتاری و هنر ارتباط. (باترا و برادی، ۱۳۸۲: ۲۹ - ۳۵) مریلین منینگ (Marilyn Manning)، در کتاب خود *زنان، مدیریت و رهبری (Women, Management and Leadership)* می‌نویسد:

نتایج آماری نشان از آن دارد که زنان بیش از مردان در محیط کاری، انضباط، وظیفه‌شناسی و تعهد دارند و زنان در ایجاد ارتباطات خود با افراد دیگر، با مهارت‌های بیشتری عمل می‌کنند. (منینگ و هداک، ۱۳۷۶: ۱۲ - ۲۴)

صداقت و صراحت لهجه معماران زن و دقت در انتخاب کلمات به‌هنگام ایجاد ارتباط به‌خصوص با همکاران مرد لازمه پیشرفت آنان در محیط‌های کاری است. همچنین، زنان می‌توانند با تعیین نوع لباس، به وقار محیط کار بیفزایند. (فرامرزی، ۱۳۸۷: ۴)

۲. اتخاذ ساز و کارهای مناسب به‌منظور تأمین و تربیت مریبان و استادان زن در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و دانشگاهی در رشته تحصیلی معماری و شهرسازی و مرمت ابنیه.

۳. استفاده از ویژگی‌های زنانه (لطافت، ظرافت، دقت و حوصله) در عرصه‌های مختلف معماری.

۴. به عنوان آخرین مورد می‌توان به این نکته اشاره کرد که عدم شناخت صحیح کارفرمایان و برخی از همکاران مرد از روحیات زنان معمار، باعث می‌شود بسیاری از استعداد‌های آنان در این عرصه نادیده گرفته شود؛ بنابراین توجه به ویژگی‌های زنان و استفاده مناسب از این ویژگی‌ها در عرصه‌های مختلف معماری می‌تواند بسیار ثمربخش باشد. بدین جهت، بهره‌گیری از نکات زیر جهت استفاده از ویژگی‌های زنانه، در عرصه‌های مختلف معماری و شهرسازی مفید است:

- از آنجا که معماری تنها فن و ابزار نیست بلکه با ظرافت، لطافت و روح هنری نیز سر و کار دارد، بنابراین استفاده از لطافت و ظرافت زنان می‌تواند تحولی عظیم در عرصه طراحی معماری و شهرسازی ایجاد کند. ساناز افتخارزاده - معمار ۳۲ ساله برگزیده همایش زنان معمار ایرانی معتقد است:

از نظر شناخت‌شناسی، شناخت زنان شهودی‌تر از مردان است اما شناخت مردان بیشتر مبتنی بر منطق است. شناخت شهودی در خلق، کمک‌کننده‌تر است و اثر را خلاقانه‌تر می‌کند. همین بین اثر معمار زن و معمار مرد می‌تواند تفاوت به وجود آورد (نوروزی و دیگران، ۱۳۸۶: ۳).

- در طراحی فضاها (به‌ویژه محیط مسکونی) زنان نیازسنجی بهتری دارند. الهه رادمهر - دبیر سابق و مدیر امور فنی مهندسی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران - در رابطه با تفاوت معماری زنانه و مردانه می‌گوید:

به‌نظر می‌رسد در طراحی فضاها، زنان نیازسنجی بهتری دارند؛ چرا که زنان، به‌ویژه در مورد نیازهای یک محیط مسکونی بیشتر از مردان آگاهی دارند و بالطبع طراحی ظریف‌تر و مناسب‌تری خواهند داشت. از طرفی، یکی از ویژگی‌های معماری، روح هنری آن است. معماری تنها فن و ابزار نیست؛ بنابراین عجیب نخواهد بود اگر معماری زنان هنرمندانه‌تر از مردان باشد و آنان ظرافت‌های زنانه خودش را در کار نیز نشان دهند. اما این به معنی آن نیست که در کار آقایان، ظرافت هنری وجود ندارند. (رادمهر، ۱۳۸۳: ۶۲).

- زنان بیشتر جزئی‌نگر و مردان عموماً کل‌نگرند. استفاده از این خصیصه زنان می‌تواند آنها را در عرصه طراحی داخلی بسیار مقتدرتر از مردان وارد جامعه کاری و حرفه‌ای معماری کند.

- مشارکت و مدیریت زنان در کنار مردان در طراحی فضاهای عمومی و همگانی در عرصه شهرسازی، موجب خلق فضایی مطلوب‌تر و متناسب‌تر با روحیه و نیاز زنان می‌شود و فضاهای شهری به‌طور حتم کارایی بالاتر و ظرافت، نظم، دقت و نیازسنجی بیشتری خواهد داشت (امینی‌فرد، ۱۳۸۶: ۲).

- زنان با استفاده از تمرکز بالا و ظرافت و حوصله می‌توانند در مرمت آثار معماری از همکاران مرد پیشی بگیرند.

- زنان با کمک احساسات و روحیه لطیف خود، به‌راحتی می‌توانند در طراحی منظر، موفقیت‌های بالایی را کسب کنند، چرا که این عرصه از معماری بسیار نیازمند احساسات لطیف، ظریف و هنرمندانه است که این ویژگی‌ها عموماً در زنان یافت می‌شود (البته این سخن، به آن معنا نیست که مردان چنین خصوصیتی ندارند).

- زنان در امر آموزش، حوصله بیشتری دارند و با توجه به ضعف جدی ایران در امر آموزش معماری، زنان می‌توانند در راستای بهبود این امر مهم نقش به‌سزایی ایفا کنند و مدیریت آنان در این حیطه نیز بسیار مثمرتر خواهد بود.

منابع

- احمدی، محمدرضا (۱۳۸۸). «تفاوت زن و مرد از لحاظ روان‌شناسی و متون دینی»، برگرفته از سایت زیر:
www.tebyan.net
- امینی فرد، حمیده (۱۳۸۶). «نقش زنان در معماری و فضای همگانی شهری»، برگرفته از سایت زیر:
www.magiran.com
- بوداغ، مهرناز (۱۳۸۷). «جایگاه زنان در دنیای معماری امروز»، برگرفته از سایت زیر:
www.soc.blogfa.com
- بی‌زارگیتی، آزاده (۱۳۸۵). «نقش دوگانه مدیران دولتی در پیشرفت زنان»، برگرفته از کانون زنان ایرانی:
www.irwomen.info
- باترا، پرومود؛ برادی، ماتیرا (۱۳۸۲). *راه‌های ساده برای مدیریت زنان شاغل*، ترجمه طوبی یکتایی، تهران: تندیس.
- پیره، روژه (۱۳۷۰). *روان‌شناسی اختلافی زن و مرد*، ترجمه حسین سروری، تهران: جانزاده.
- توی، مگی (۱۳۸۸). *زنان در معماری معاصر*، ترجمه مینا مهملو، تهران: یزدا.
- جعفرنژاد، احمد (بهار ۱۳۸۴). «وضعیت زنان در اشتغال و مدیریت»، *مجله مطالعات زنان*، شماره ۷، ص ۷۶ - ۸۱
- جمالزاده، رضا (اسفند ۱۳۸۳). «زن و توسعه پایدار»، *مجموعه مقالات همایش نقش زنان در توسعه پایدار*، یزد: آزمون نوین، ص ۱۵۲ - ۱۵۸.
- جوهری، فاطمه؛ قضاتی، سرور (۱۳۸۳). «بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران - ویژگی‌ها، گرایش و رفتار»، *انجمن جامعه‌شناسی ایران*، سال پنجم، شماره ۲، برگرفته از سایت زیر:
www.isa.org.ir
- حسینی، هادی (۱۳۸۱). *روان‌شناسی زن*، تهران: امیرکبیر.
- دریاباری، فرزانه (۱۳۸۸). «زن در ایران باستان»، برگرفته از *مجله الکترونیکی ایران من از باستان تا کنون* به آدرس اینترنتی زیر:
www.persianblog.ir
- رادمهر، الهه (۱۳۸۴). «مدیریت زنان، تحول برانگیز است»، *فصلنامه معماری و ساختمان*، زمستان ۱۳۸۳ و نوروز ۱۳۸۴، شماره ۴، ص ۶۲.
- ریاضی، محمدرضا (۱۳۸۷). «نقش زنان در شکل‌گیری معماری مکتب شیراز»، *مجموعه مقالات همایش معماری شیراز در گردهمایی بین‌المللی مکتب شیراز*، ۱۳۸۷، ص ۳۴ - ۴۰.
- صابر، فیروزه (۱۳۸۱). *راه‌های توسعه کارآفرینی زنان در ایران*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ضیائی، غلامرضا (۱۳۸۸). «بررسی آماری نقش زنان در معماری»، *مجموعه مقالات همایش ملی زن و معماری*، ۱۳۸۸، ص ۲۸ - ۳۲.
- فتحی، لاله (۱۳۸۴). «زنان در عرصه تصمیم‌گیری و مدیریت»، برگرفته از سایت زیر:
www.mgtsolution.com

مریم حقایق و مجتبی خوارزمی ۳۷

فرامرزی، مهسا (۱۳۸۷). «ردپای زن در معماری»، برگرفته از سایت جامع خلاقیت، نوآوری، کارفرینی به آدرس اینترنتی زیر:

www.creativity.ir

کخ، هایدماری (۱۳۸۶). *از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجیبی*، تهران: کارنگ.
گلرد، پروانه (۱۳۸۱). «نقش خانواده در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی»، برگرفته از شبکه زنان کارآفرین به آدرس اینترنتی زیر:

www.wenet.ir

گیرشمن، رومن (۱۳۳۶). *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، چ اول، تهران: معین.
منینگ، مریلین؛ هداک، پاتریشا (۱۳۷۶). *زنان، مدیریت و رهبری*، ترجمه دکتر سهراب خلیلی شورینی، تهران: انتشارات مرکزی ماد.

نرمان، ال. مان (۱۹۹۶). *اصول روان‌شناسی، ترجمه و اقتباس محمود ساعتچی*، چ سیزدهم، تهران: امیرکبیر.
نوروزی، ژیلا؛ مجدآبادی، حبیبه؛ و افتخارزاده، ساناز (۱۳۸۶). «گزارش اولین همایش زنان معمار ایرانی»، برگرفته از سایت زیر:

www.uampr.blogfa.com

